

## نمایش «ادواردو» به تماشاخانه مهر می‌آید

نمایش «ادواردو» براساس نمایشنامه‌ای از زندگی ادواردو آنیه‌لی نوشته راحیل سرسنگی وبه کارگردانی ابوالفضل عسرب از پنج تیر در تماشاخانه مهر حوزه هنری روی صحنه می‌رود. ادواردو آنیه‌لی تنها پسر جیانی آنیه‌لی و مارلا کاراچیلو سال ۱۹۵۴ به دنیا آمد. او که تنها وارث ثروت عظیم خاندان آنیه‌لی محسوب می‌شد بعد از ورود به دانشگاه و تحصیل در رشته ادبیات مدرن و ادیان شناسی با اخذ مدرک دکترا با دین اسلام آشنا می‌شود و

### تحلیل روز

درنگی بر یکی از شوهای شبکه نمایش خانگی

# شب‌های مافیا

# و جنگ جهانی راست و دروغ



نویسنده و منتقد سینما

در این نوشتار قصد داریم درباره «شب‌های مافیا» که یکی از محبوب‌ترین رئالیتی‌شوهای شبکه نمایش خانگی است بنویسیم. اجازه بدهید از اینجا شروع کنیم که اشتباه کردن یعنی چه؟ تفاوت آن با گناه، کوتاهی و قصور یا غلط کردن چیست؟ به نظر شما دستگاه دیپلماسی آمریکا اشتباه کرده است که به برجام باز نمی‌گردد؟ در این مورد کوتاهی کرده است؟ گناه کرده است؟ یا غلط؟! حمله روسیه به اوکراین چطور؟ معمولا همه ما آدم‌ها دوست داریم درست رفتار کنیم. ظاهرا در این مورد هیچ‌کس تردیدی ندارد اما اگر بنا بود درست رفتار نکنیم، ترجیح می‌دادیم اشتباه کنیم یا گناه یا...؟! این سؤال اخیر چقدر اهمیت دارد؟ پاسخ این پرسش‌ها، برای کسانی که می‌خواهند همیشه درست رفتار کنند، مهم‌تر است یا برای کسانی که نمی‌خواهند گناه کنند؟!

باردیگر دقت کنیم؛ (الف) همه ما آدم‌ها (بلکه حیوانات هم!) می‌خواهیم درست رفتار کنیم. (بخش زیادی از نگرانی‌ها و اضطراب‌های روانی ما دقیقا به همین دلیل است که نمی‌دانیم چگونه باید درست رفتار کنیم یا نمی‌خواهیم قبول کنیم قبلا اشتباه کرده‌ایم یا...).

ب) اما اگر به هر دلیلی بنا بود درست رفتار نکنیم، سؤال دقیق این است: ترجیح می‌دادیم اشتباه کرده باشیم؟ یا غلط کرده باشیم؟ یا کوتاهی؟ یا گناه؟ اشتباه، غلط، کوتاهی و گناه، اینها چهار گزینه ابتدایی ما هستند. اجازه بدهید خود نگارنده قبل از تمام شما مخاطبان پاسخ بدهد: من دوست دارم به اشتباهی که کرده باشم، گناه نکنم. حتی اگر بی‌پول شدم، حتی اگر تمام زندگی‌ام تباه شد، حتی اگر خریدن یک حلب روغن نباتی برایم تبدیل به یک بحران اقتصادی شده باشد، حتی اگر روزی هزار بار به غلط کردن بی‌فتم و آرزوی مرگ کنم و... فقط و فقط خدا کند گناه نکنم و نکرده باشم. ما آدم‌های خرافاتی و خدا باور تکلیف‌مان اینجا کامل‌تر روشن است. چه در صمیمانه‌ترین لحظات خلوت فردی و چه در ریاکارانه‌ترین اوضاع اجتماعی، آرزوی قلبی‌مان همین است. شما مخاطبان عزیز نیز اگر خدا باور باشید، با نگارنده هم عقیده خواهید بود اما تکلیف دو دسته از باقی آدم‌ها روشن نیست.

خدا باورانی که اشتباه می‌کنند و ناپاوارانی که اشتباه نمی‌کنند! خدا باوران تا متوجه نشوند معنای دقیق اشتباه کردن چیست، نمی‌توانند متوجه شوند که چرا امام راحل(ره) گفت: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند! ناپاواران هم تکلیف‌شان روشن است. آنها نه‌تنها با اشتباه کردن هیچ مشکل خاصی ندارند، بلکه صبح تا شب به دنبال آن می‌گردند، چرا؟ چون چیزی به اسم گناه برای‌شان معنا ندارد. در مورد کوتاهی کردن هم هر دو گروه اتفاق نظر داریم؛ یعنی توافقی داریم که اگر گزینه خودمان را کنار بگذاریم، کوتاهی‌کردن از باقی‌گزینه‌ها بهتر است. می‌ماند دو گزینه اشتباه کردن و غلط کردن. معلوم است که اگر بنا باشد دیگران به ما بگویند اشتباه کرده‌ای، خیلی بهتر است تا بگویند غلط کرده‌ای! این طور نیست؟! این بحث را همین جا نگاه داریم و برویم سرناق مختصر برنامه «شب‌های مافیا».

### پدر سوخته بازی!

ریشه کلمه «اشتباه» از «شبه» است. برنامه شب‌های مافیا شباهت عجیبی به زندگی واقعی دارد. این اعتقاد، اشتباه یا اعترافی است که خیلی از بازیگران شرکت‌کننده در این برنامه به زبان آورده‌اند. مثل شباهتی که تصویر در آینه با خود شخص دارد. فقط جهت‌ها عوض می‌شود. یعنی سمت راست ما می‌شود سمت چپ و برعکس. فرصت نیست بحث عوض شدن و «عوضی شدن» را مطرح کنیم اما اگر یک خط وسط تصویر عوضی داخل آینه بکشیم، می‌شود همان خط تقارن بدن ما. فقط همین نقاط مرکزی و خط تقارن است که عوض و عوضی نمی‌شود. اعتدال و میانه روی



## بازی یا پایان سینما

بازی مافیا را می‌توان «پایان سینما» دانست، نه پایان فیلم، هر سینمایی فیلم هم هست اما هر فیلمی ازوما سینما نیست. اما چه اطلاعات و داده‌هایی بر این ادعا دلالت می‌کند؟ الف: بازیگران بازی مافیا نقطه اوج بازیگری هستند. این یعنی تمام توانایی‌ها و مزیت‌های بازیگران سینما و تلویزیون تبدیل به «هیج» می‌شود و دوباره این یعنی رسیدن هنر بازیگری به مقام «فنا» (با توجه به مفهوم این اصطلاح در ادبیات عرفانی و اسلامی، وگرنه آیا کسی می‌تواند ادعا کند لزوما یک تیم از بازیگران حرفه‌ای و... می‌توانند یک تیم از بازیگران حرفه‌ای خود مافیا را شکست دهند؟ مثلا افرادی چون علیرضا خسمه و رضا شفیعی‌جم را مثال نمی‌زنیم که بازیگران خوبی در سینما هستند و در مافیا نه، آیا بازیگران سینما حاضرند با یک تیم شش نفره از سوپر استارهای خود به جنگ یک تیم شش نفره از بازیگران حرفه‌ای مافیا بروند؟ آیا وقتی سینمایی‌ها مافیای می‌شوند، بهتر می‌توانند دروغ بگویند یا وقتی شهروند می‌شوند، بهتر می‌توانند نقش بازی کردن مافیا را تشخیص بدهند؟ بنده مدعی هستم که نه‌اینها هیچ فرقی نمی‌کند. (چون این دو عامل یکدیگر را خنثی می‌کنند.) همین امروز هم اگر آمار بگیریم، مشخص می‌شود که خود عامل بازیگری سینما، تعیین‌کننده نیست.

بعد از پذیرش آن خودش را در برابر مخالفت‌ها و فشار خانواده قرار می‌دهد. تصمیم ادواردو به همان جا ختم نشد و او با دنبال کردن اخبار انقلاب ایران جذب آن می‌شود و تصمیم می‌گیرد زندگی خودش را با ایران گره بزند اما بعد از مدتی جنازه‌اش را زیر پل ژنرال فرانکو رومانیوی شهر فوسانو پیدا می‌کنند. دادستان در همان ساعات اولیه، علت مرگ را خودکشی اعلام می‌کند و بدن بی‌جان او بدون کالبدشکافی و بی‌بردن به دلیل مرگ مشکوک او، در آرامگاه

برای همین خوب است. آدم‌های عوضی متوجه این خط اعتدال نیستند. فقط در همین خط تقارن مرکزی است که هیچ‌کس اشتباه نمی‌کند و جهت‌ها را عوضی نمی‌گیرد. خدا مرده است؛ متافیزیک به پایان رسیده؛ باید به دوران تفکر فلسفی و خود فلسفه پایان بدهیم (و از این پس فقط گزاره‌های ریاضی و علوم تجربی اهمیت دارند؛) لیبرال دموکراسی پایان تاریخ است و... انسان دوران معاصر علاقه عجیبی به این اعلام مرگ‌ها و پایان‌ها دارد! مثلا خیلی‌ها تصور می‌کنند بازی مافیا مصداق بارز این مطلب است که «لیبرال دموکراسی» پایان تاریخ است.

تمام بازیگران می‌توانند آزادانه رأی بدهند و سرنوشت بازی را تعیین کنند. اگر شهروندان در رأی دادن دقت کنند، پیروز می‌شوند وگرنه مافیا اکثریت پیدا می‌کند. نمی‌خواهیم از همین جا ورود کنیم و بگوییم این ادعا «اشتباه» است! اتفاقا بازی مافیا تجلی بارز «انارشیزم» و هرج و مرجی است که ذات کثیف لیبرال دموکراسی را برملا می‌کند؛ چرا؟ چون در جامعه‌ای که مافیا بودن و دروغ گفتن را به رسمیت می‌شناسیم، همین اتفاق روی می‌دهد. مگر غیر از این است که از ماکیاولیسم تا لیبرال سرمایه‌داری، تمام نظریه‌پردازان سیاسی همین دوکار را تئوریزه کرده‌اند؟ نخست مافیا بودن را تقدیری دانستن (چون افراد در این بازی فقط به قید قرعه مافیا می‌شوند)

دوم دروغ گفتن را به رسمیت شناختن.

معلوم است که سیاست در این نگاه اوج «پدر سوخته» بازی است! شبهه از همین جا شروع می‌شود. چون بازی مافیا شبیه به نظام لیبرال دموکراسی است اما در عین حال، این بازی را باید بازی شهروندان دانست، یعنی شهروندان شانس بیشتری برای برد دارند (اگر هرچه زودتر یکدیگر را پیدا کرده و بعد بین خودشان لیدر و رهبر انتخاب کنند) اما ازوما مافیاهایی که پیروز می‌شوند را نمی‌توان مصداق پدر سوختگی دانست! چون پدر سوختگی در ذات خود این بازی است، نه بازیگرانش.

خب، اگر بازی مافیا بازی شهروندان است و از آن طرف، پیروز شدن بازیگران مافیا، لزوما به معنای پدر سوختگی نیست، قضیه چطور می‌شود؟! شبهه یعنی همین! «شهروند تیر» کسی است که به شدت دچار شبهه شده و نمی‌تواند فرق واقعیت را از دروغ تشخیص بدهد. اما در عین حال اعتماد به نفس دارد و بر اشتباهات خودش پافشاری می‌کند. بازیگران باتجربه دقیقا درست می‌گویند که «شهروند تیر» از مافیا خطرناک‌تر و مضرت‌ر است. تا جایی که خیلی وقت‌ها ادعا می‌کنند اخراج شهروند تیر واجب‌تر از اخراج اعضای مافیاست. و این ادعا حالا دقیق‌تر بگوییم: شهروندان تیر را باید قبل از بازی ارشاد کرد، وگرنه داخل بازی طرح چنین ادعایی اولاً توهمین به همبازی‌هاست و در ثانی روحیه همکاری شهروندان را فعلا خراب می‌کند.



رکوردد بازی مافیا در بین مخاطبان زنگ خطری است برای تمام نهادهای فرهنگی



### نمای نزدیک



خانوادگی دفن می‌شود.

امیرحسین انصافی، ندا اسفغری، رضا معراجی، محسن قصری، امیرمحمد انصافی، نیلوفر سیاری، مرتضی دل‌داده، راحیل سرهنگی، مهدی مزدارانی، حانیه رهگذر، سینا صبحی، پژمان سرمایه‌خواه و مهیار برخورداری، بازیگران این نمایش هستند. سجاد یاری؛ مشاور کارگردان، ابوالفضل حسین زاده؛ طراح صحنه و نور، علیرضا خدامرادی از دیگر عوامل این اثر هستند. / جام جم

### نگاه

## قابل توجه دوستان حزب‌اللهی

اگر بنا باشد بحث‌مان را همین‌جا جمع بندی کنیم، می‌گوییم:

۱ اشتباه نکنیم! گناه کردن از تمام گزینه‌های دیگر خطرناک‌تر است...

۲ آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند اما در دشمنی خود با ما قصور و کوتاهی نخواهد کرد...

۳ روش و مهارت فکر کردن ما آدم‌ها به مراتب مهم‌تر از محتوای افکار ماست داعش به توحید و نبوت و معاد اعتقاد دارد، حتی شاید خیلی جدی‌تر از ما شیعیان و باقی مسلمانان! اما در روش فکر کردن خود احمق است. (مگر می‌شود ادعا کنیم هر مسلمانی زودتر اسلحه کشید و کشت و کشتار راه انداخت، خلیفه باقی مسلمان است؟)

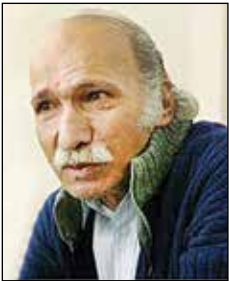
۴ رکورد بازی مافیا در بین مخاطبان (چه از نظر تعداد جذب مخاطب، چه شدت علاقه، چه تنوع و گسترش آنان از نظر سنین مختلف و طبقات اجتماعی و میزان سواد و...) زنگ خطری است به تمام نهادهای فرهنگی و در رأس آنها خود صدا و سیما که اگر درست مدیریت کنیم، این یک نشانه خوب است که می‌توانیم بر هالیوود غلبه پیدا کنیم. دوره سینما یا تلویزیون به‌سر نرسیده اما اپزارهای رسانه‌ای دیگری درحال تبدیل شدن به مهم‌ترین بازیگران این عرصه هستند. این یعنی سینما و تلویزیون در درون خودشان دارند به پایان نزدیک می‌شوند و باید از خودشان دوباره متولد شوند وگرنه از خودمان سؤال کنیم: با وجود این همه فیلم‌ها و سریال‌های درجه یک هنری، اکشن، تخیلی و... چرا باید «رئالیتی‌شوهای مثل بازی شب‌های مافیا را کودکان جذب مخاطب شوند؟»

۵ می‌خواستم اشاره کنم که بازی مافیا به شدت می‌تواند به بحران‌های شناخت‌شناسی و معرفت‌شناسی دامن بزند و... حالا ممکن است رسانه‌ها بتوانند پیچیده‌ترین دیالکتیک‌های عوضی هگلی را به خورد مخاطب بدهند اما بیشتر توضیح نمی‌دهم تا حداقل بند قبلی (هشدار به نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای) کم‌رنگ نشود.

۶ دوستان حزب‌اللهی عزیز! زودتر یکدیگر را پیدا کنید! اوضاع دارد روز به روز پیچیده‌تر می‌شود. وقتی مسجد نمی‌روی، نماز شب نمی‌خوانیم که مجبور شویم برای ۴۰ مؤمن دعا کنیم. وقتی معنای «مردمسالاری دینی» را هنوز باور نکرده‌ایم و وقتی تئبرای دشمن‌شناسی‌مان در نسبت به توالی دوست‌شناسی، پاک تعادل خودش را از دست داده، عنکبوت مقدس کیلویی چند است؟! در این اوضاع پیچیده، حسادت می‌کنم به کسی که قبل از من توانسته‌این جمله را بگوید: جنگ انقلاب اسلامی و غرب، جنگ عقلانیت و خیال است...

## حال «طباطبایی» بهتر شد

فرزند علیرضا طباطبایی می‌گوید: شرایط پدرم مساعدتر شده و روند درمان بیماری رو به بهبود است.
احمد طباطبایی گفت: پدرم در منزل استراحت می‌کند، شرایطش هم بهتر است. عوارض بیماری همچنان هست اما روند بیماری رو به بهبود است و ان شاء... بهتر هم شود. او درباره روند درمان بیماری پدرش گفت: «پدرم به بیماری ریه و دگربری ریه همچنان وجود دارد. از قبل هم بیماری‌های زمینه‌ای داشتند از جمله ناراحتی قلبی و بیماری‌های مربوط به کچولت سن که اکثر سالمندان درگیرش هستند. مشکل جدی ایشان ریوی بود که گفتند به‌تدریج بهتر می‌شود. الان شرایط مساعدتر شده و امیدواریم به‌زودی تغییر مثبتی حاصل شود. علیرضا طباطبایی، بهمن ۱۴۰۰ دچار بیماری کرونا شد و مدتی در بیمارستان تحت درمان قرار گرفت. به گفته فرزندش، بعد از ترخیص از بیمارستان و انجام آزمایش خون متوجه شدند احتمالا به دلیل داروهای قوی و درمان‌های سختی که طی بستری بودن دریافت کرده، پلاکت خودش افت کرده و در چند آئیم خونی دیگر هم مشکل پیدا کرده بود. او به توصیه پزشکان مجدداً به بیمارستان منتقل شده بود. فروردین ۱۴۰۱ هم در پی عفونت ریه مجدداً در بیمارستان بستری شد. / ایسنا



## ایل، فیلم «پیت» را خرید

فیلم بعدی برد پیت که به کارگردانی جوزف کوشینسکی، کارگردان «تاپ گان: ماوریک» ساخته می‌شود به ایل رسید.

ایل که از چندی پیش در حال مذاکره بود، سرانجام با ارائه بالاترین پیشنهاد، این فیلم را خرید. کمپانی‌های بزرگ مترو گلدوین میر، پارامونت، سونی، یونیورسال، نتفلیکس، آمازون و دیزنی نیز در تلاش بودند تا این پروژه را به دست آورند. در این فیلم پیت در نقش راننده فرمول یک ظاهر می‌شود که از بازنشستگی در می‌آید تا در کنار یک راننده جوان و در برابر غول‌های این ورزش به رقابت بپردازد. ایل، فیلم، دومین همکاری پیت با ایل است. پیش از این ایل پروژه بدون عنوان دیگری را با بازی برد پیت و جورج کلونی به دست آورد که کارگردانی آن را جان واتس، کارگردان «اسپایدرمن» راهی به خانه نیست» انجام می‌دهد. ایل، پخش‌کننده فیلم «گودا» برنده اسکار بهترین فیلم بود و اکنون در تلاش است فیلم‌های خود را افزایش دهد و به این مناسبت پیشتر سراغ پروژه «قاتلان ماه کامل» اسکورسیزی با بازی دی‌کارپریو و رابرت دنیرو رفت. / وراپتی



## ۷ جایزه برای «صورتگر»

رامین حسین پور، نویسنده، آهنگساز و تهیه‌کننده با ویدئوآرت «صورتگر»، موفق به دریافت هفت جایزه از دو رقابت در آمریکا و اسلواکی شد.

ویدئوآرت صورتگر به کارگردانی، نویسندگی، تهیه‌کنندگی و آهنگسازی رامین حسین پور، در رویداد ماه خرداد جوایز بین‌المللی «آینده صدا»ی شهر نیویورک آمریکا، توانست برنده پنج جایزه بهترین موزیک ویدئوی تجربی - تلفیقی، بهترین موزیک ویدئوی ساخته کارگردان مرد، بهترین فیلم موزیکال، بهترین موزیک ویدئوی راک و بهترین تهیه‌کنندگی شود. همچنین این ویدئوآرت دوره ماه می جشنواره بین‌المللی فیلم و ویدئوی «های‌تاتراس» اسلواکی، توانست برنده جوایز بهترین موزیک ویدئوی هنری و بهترین موزیک ویدئوی راک شود. صورتگر، تاکنون در بیش از ۳۲ جشنواره بین‌المللی حضور داشته که در ۲۷ جشنواره به عنوان فاینانلیست با دیدیگر آثار به رقابت پرداخته است. این ویدئوآرت هفته پیش نیز برنده جایزه بهترین موزیک ویدئوی جشنواره بین‌المللی «پدن» سوئد شد. آهنگسازی، تنظیم، خوانندگی و نوازندگی گیتار الکتریک صورتگر با شعری از مولانا، به عهده رامین حسین پور بوده است. / جام جم



## فرهنگ Culture

پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۳۲

### روی قفسه

پیشنهاد «جام جم» برای تعطیلات آخر هفته

## سه کتاب درباره جانبازان



زینب مرزوقی گروه فرهنگ و هنر

صعود به قله با یک جفت پای سالم هم کاری دشوار است. حالا چه برسد به کسی که پایش را از دست داده باشد. داوود عامری، عکاس و جانباز دفاع مقدس، کوهنوردی است که با وجود ۷۰ درصد معلولیت اما عشقش به کوه هیچ‌وقت کاسته نشده

و تا جایی رابطه‌اش با کوه و کوهنوردی عمیق است که همه جا او را با عنوان جانباز کوهنورد و البته عکاس یاد می‌کنند. کتاب تو یک ژنرالی به قلم اعظم‌السادات حسینی، مستند روایی از زندگی جانباز داوود عامری است. این کتاب از انتشارات روایت فتح است.

در بخشی از این کتاب آمده است: آن سال‌ها به من می‌گفتند داوود پاکنده. چون پاهایم بلند بود به خصوص در کوهنوردی و توی برف آن قدر بلند قدم برمی‌داشتم که نفر بعدی نمی‌توانست پایش را جای پای من بگذارد. روی برفی که پا تا زانو در آن فرو می‌رفت، راه رفتن خیلی سخت بود اما من حتی در این اوضاع هم خیلی تند راه می‌رفتم. احساس می‌کردم رفتن به کوه، هم نشاط جسمی به من می‌دهد و هم نشاط روحی.

در کتاب از بیانات تا اویسالا، از بهشت ایران تا بهشت سوئد همراهِ می‌شویم با داستان‌ها و حوادث غلام دلشاد، جوانی که جنگ زندگی‌اش را دگرگون کرد. راوی این کتاب ابتدای کتاب ذکر می‌کند که کتاب مقدمه ندارد، بلکه موخره دارد و قرار است به جای حرف اول، آخرین حرف راوبرزند.

محمد طاهری در موخره کتاب نوشته است: من دهه هفتادای‌ام؛ یعنی نه امام را دیده‌ام، نه انقلاب را، نه جنگ را. شاید چون منی که از نسل‌های بعدی این دوران سخت سرنوشت‌ساز هستم، شایسته نوشتن خاطرات قهرمانان این دوران نیابم. امروز جوانم و مقایسه می‌کنم خود را با جوانی امثال غلام دلشادها.

هر چه مقایسه و فکر می‌کنم، می‌بینم خیلی مرد بوده‌اند. شوخی نیست آدمی همه سرمایه وجودی‌اش را که جان باشد، کف دست بگیرد برای آرمان‌هایش. این کتاب نیز از انتشارات روایت فتح است.

کتاب داوت به قلم زهرا سلحشور نیز زندگینامه داستانی جانباز رضاعلی خرمند از همین نشر یعنی روایت فتح است. داوت قصه رضاعلی خرمند، جانباز ۴۰ درصدی از اهالی روستایی به نام در میان بام خراسان رضوی است. در بخشی از این کتاب آمده است: شروع کردم به ویراز دادن و ماشین را به چپ و راست جاده راندم تا نتوانند درست هدف‌گیری کنند. موشک‌ها در اطراف ماشین با فاصله کم به زمین می‌خوردند و خاک‌ها را به اطراف می‌پاشید. تمام جاده شده بود دود و خاک و آتش و صدای انفجار پیایی موشک‌ها...

باسرعت زیاد از مملکه فرار می‌کردیم که ناگهان موشکی را که از آسمان مستقیم به سوی ماشین می‌آمد به وضوح دیدم. بی‌اراده چشم‌هایم را بستم، در یک لحظه....



## هنرمندان به خوانسار می‌روند

هنرمندان در اقدامی جالب قصد دارند برای تجلیل از یک هنرمند دیگر به زادگاه او بروند. کیوان ساکت از تجلیل و برگزاری نمایشگاه یاد... کابلی در خوانسار خبر داد.

کیوان ساکت، آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار گفت: تجلیل یاد... کابلی خوانساری، اسناد خط شکسته شنبه ۲۱ خرداد سال جاری ساعت ۱۷ در فرهنگسرای خوانسار برگزار می‌شود و بخشی از این مراسم به برگزاری نمایشگاه آثار این هنرمند اختصاص دارد. این آهنگساز بیان کرد: در این مراسم غلامحسین امیرخانی، علی نصیریان، علی اکبر صادقی، طاهیا بهبهانی، محمدباقر آقامیری، سهیل محمودی، حسام‌الدین سراج، امیراحمد فلسفی، محمود سمندریان، قاسم رفعتی، محمد حیدری علی شیرازی، رسول مرادی و جمعی دیگر از هنرمندان و استادان رشته‌های خوشنویسی، تجسمی، موسیقی و سینما حضور دارند. این نوازنده ادامه داد: این هنرمندان به مناسبت برگزاری همایش تجلیل و تکریم تیم قرن کوشش و تلاش شده‌اید... کابلی در شهر زیبای خوانسار، زادگاه استاد ادیب محمودی خوانساری حضور خواهند داشت. / ایسنا

